

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۰۳ دسمبر ۲۰۱۹



۳

آنجلیکا بالابانوف

«اگر یکبار دیگر به من اجازه زندگی بدهند، مجدداً برای سیادت طبقه کارگر، مبارزه خواهم کرد»

«آنجلیکا بالابانوف»، کمونیست ایتالیایی - روسی، سال ۱۸۷۸ در اوکراین به دنیا آمد. شانزدهمین و جوانترین فرزند یک خانواده ثروتمند از استعداد و خلاقیت بی نظیر و ویژه ای، برخوردار بود بدانگونه که از عنفوان کودکی به زبانهای گوناگونی، صحبت می کرد. وی، در زمان تحصیل تحت تأثیر افکار رادیکال اساتید سوسیالیست و آنارشویست دانشگاه بلژیک قرار گرفت. در شهر رم ایتالیا، به سازماندهی کارگران مهاجر صنعت پارچه بافی مبادرت ورزید و به طور شبانه روزی، در اتحادیه های کارگری بیشماری فعال بود. بدین ترتیب، رهبری حزب سوسیالیست و حزب سوسیال دموکرات ایتالیا را به عهده گرفت. در روند زندگی مبارزاتی، با جنبش کمونیستی و انقلابی روسیه

رابطه نزدیکی برقرار کرد. پس از گذشت اندک زمانی، به فعالیت در اتحادیه زنان سوسیالیست پرداخت و «کلارا زتکین» را در کنگره زنان یاری رساند. آنجلیکا، پس از پیروزی بلشویکها، به کشور روسیه بازگشت و سال ۱۹۱۹ منشی انترناسیونال اول بود. اما، اختلاف نظر با بلشویکها سبب شد تا به کشورش، ایتالیا، بازگردد. با ظهور فاشیسم از ایتالیا به سوئیس تبعید شد.



آنجلیکا، فعالیتهای سوسیالیستی بین المللی خود را تا سال ۱۹۶۴ ادامه داد و از آن پس به علت ناتوانی جسمی از کار و کوشش بازماند. اگرچه در زمان همکاری با لنین، اختلافهای شدیدی با وی داشت و یکی از دلایل کناره گیری از حزب بلشویک و بازگشتش به ایتالیا نیز همین مسأله عنوان شده است، ولی در کتابش به نام «زندگی من، به عنوان یک شورشگر»، صریحاً اعلام میدارد: «اگر یکبار دیگر به من اجازه زندگی بدهند، باز هم برای سیادت طبقه کارگر، مبارزه خواهم کرد».

بالابانوف، بعد از جنگ جهانی دوم به ایتالیا بازگشت. اما، تضادهایش با حزب کمونیست و حزب سوسیالیست ایتالیا، مانع جذبش به این احزاب شد. به

رغم اختلافات مزبور، در سال ۱۹۴۷ به حزب کارگر سوسیالیست ایتالیا پیوست. ماکس شاجمن، از رهبران حزب کمونیست آمریکا، کتابی درباره زندگی ستایش انگیز آنجلکیا بالابانوف به رشته تحریر در آورده است. از بالابانوف کتابها و مقالات زیادی بجا مانده است که متأسفانه هیچکدام به زبان فارسی برگردان نشده اند. آنجلکیا، در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۵ در شهر رم دیده از جهان فروبست.

ادیت لاگوس

«ادیت لاگوس»، کمونیست انقلابی، چریک و عضو حزب کمونیست پرو، یکی از مشهورترین فرماندهان مبارزات چریکی این کشور بود که خطابه هایش الهام بخش دهقانان سراسر کوههای جنوب میانه پرو گشت.

در دوم ماه مارس سال ۱۹۸۲، یک نیروی نسبتاً کوچک چریکی به رهبری حزب کمونیست پرو، که مبارزه مسلحانه را در دستور کار داشت، خطوط برق رسانی «آیاکوچو» را منفجر کرد و آنگاه پلیس و نیروهای ضد شورش را در مقرهایشان به محاصره درآوردند و مسیر خود را به سوی زندان مرکز بخش گشودند. در نبردی که نزدیک به پنج ساعت به درازا کشید، چریکها زندان را به تصرف درآورده، تمامی زندانیان را آزاد کردند. سپس، به همراه زندانیان آزاد شده پرچم سرخ را در حیاط زندان به اهتزاز در آوردند و در حالیکه سرود انترناسیونال را میخواندند، محل را ترک نمودند. فرمانده این عملیات زنی کمونیست و چریک انقلابی به نام «ماریا پرادو» بود.

«ادیت لاگوس» یکی از انقلابیونی بود که در حمله به زندان، آزاد گشت. زن کمونیست جوانی که از شانزده سالگی در حزب کمونیست پرو فعالیت میکرد. او به خاطر سخنرانیهای پرشور در میدانهای شهر، از شهرت و محبوبیت



فراوانی در میان مردم، برخوردار بود. ناگفته نماند که در مدت کوتاه فعالیتش بارها توسط مأموران دستگیر شد ولی بارها از زندان گریخت.



شش ماه پس از رهایی از زندان، در جریان یک عملیات تعرضی حزب کمونیست در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۲، دوباره دستگیر شد. بازجویان، وحشیانه بدنش را با سرنیزه دریدند و او را به قتل رساندند. این زن کمونیست و چریک به هنگام جان باختن نوزده سال بیشتر نداشت.



در مراسم وداع با «ادیت لاگوس» بیش از ۳۰ هزار نفر از اهالی شهر ۸۰ هزار نفری «آیاکوچو» به خیابان آمده و تابوت او را در پوشش پرچم سرخ حزب به خاک سپردند. «آیاکوچو» هیچگاه چنین گردهمایی عظیمی به خود ندیده بود.

ادامه دارد